شانرا با رژیم دست نشانـده قطع کردند و در سفارت خانه های شان صرف یکی دوکار دار باقی ماند ، باقی همه سفراو اعضای سفارت ها راهی وطن شان شدند . تنها سفارت‌های روسیه سرخ و رژیمهای مزدور آلمان دموکراتیک بلغـاریـا ، مجـارستان ، چکـوسلواکیـا ، پـولینـد مغلستان ، ویتنام ، کیوبا ، کمپوچیا در کابل با طمطراق کشوده ماندند . سفیرهند نیز با پیروی از سیاست میرمن اندرا گاندی چهره هوا خواه مسکو در کابل باقی ماند و یاسر عرفات نیز شخصی را به اشاره بریشرنف بحیث سفیر به کابل اعزام داشت . همین قسم بعض کشور های عربی طرفدار مسکو در کابل باقی ماندند و باینصورت کابل صرف مرکز خیانت دیپلوماتیک مسکو و کشور های دنباله او باقی ماند .

همزمان با هجوم قوای روس به افغانستان ، صدای اعتراض از سراسر جهان برخاست . شورای امنیت ، سازمان‌ملل متحد بصورت عاجل دایر گردید در شورای امنیت مسکو فیصلهٔ مبنی بر خروج قوای روسیه را بر افغانستان ویتو کرد و اما در جلسه عمومی ملل متحد ، کشور های

جهان تجاوز روسیه رانکوهش کرده خروج بدون قید
و شرط قـوای روسیه مطالبه گـردید و در سه سال اول
با ١١٤ ، ١١٦ ، ١١٨ رای ملل جهان موقع جلسات
عمومی سالیانه ملل متحد از روسیه خواستند که قوایش را
از افغانستان بیرون سازد . همچنان کشور های اسلامی
در جلسات متعدد شان تجاوز روسها را محکوم کردند
و خواستند که قوای متجاوز روس از افغانستان اسلامی
بدون قید و شرط خارج شود کشور های غیر منسلک
نیز در جلسات خود تقاضا کردند تا روسیه قوایش را از
افغانستان بیرون سازد لیکن در کنفرانس عالی آن که
دو سال پیش در دهلی نو و بریاست میرمن اندرا گاندی
تشکیل شده بازهم همان چهره هوا خواه روس یعنی میر من
گاندی به پاشد و تلاش کرداز فیصله نهایی محکوم سازی
روسیه اسم (اتحاد شوروی) را به (نیرو های خارجی)
مبدل کند و باینصورت برای همیشه اندرا گاندی بحیث
چهره بدکار در کنار سرد مداران کریملین باقی بماند .
در حالیکه همین اندرا گاندهی پیش از آنکه برای احراز
کرسی صدارت در انتخابات پارلمانی انتخاب شود می گفت

اگر در انتخابات پیروز شد از روسها می خواهد قوای شانرا از افغانستان خارج سازند ، لیکن وقتی به قدرت رسید همیشه ضمن سائر خوشخدمتی هایش به مسکو می گفت که این غربی ها است که در مورد افغانستان سرو صدا راه می اندازند و در امور داخلی افغانستان مداخله می کنند ، اما اینک این چهره بدنام خود در گیر بحران عظیم به کفاره گناهنش می باشد و هدین چهرهٔ بدکار امنیت و تمامیت هند را تهدید می کند و بازهم جز عرفات چهرهٔ دیگری نیست که با اشاره کریملن ازو حمایت کند و جنبش مردم هند را محکوم سازد .

اما بهر صورت روسها صدای اعتراض جهانیان را کم شنیدند و برعکس به سوقیات وحشیانه در سراسر افغانستان شروع کردند ، به این تصور غلط که گویا کار افغانستان تمام و جنبش مقاومت در یکی دوضربه از هم می شکنند . اما روسها در هر سوقیات نظامی ، در هر عملیت نظامی و در هر بر خورد رویا روی با مجاهدین ، از ستون ها و واحد های مهاجم خود جز کشته و شکست وریخت تانکها و وسایل نظامی چیز دیگری نیافتند . هجوم های

وحشیانه روسها اگرچه بهزاران شهید و صد ها مجروح
را در میهن ما بدنبال داشت اما این برخورد ها به روس
ها ثابت کرد که با ارتباط به مساله افغانستان راه خطا رفته
اند ، مردم ما هر گز بد نبال آن نمیروند ، بلکه نیروی
آنرا در هم می شکنند . در دو سال اول در دو طرف
شهرا ها وسرک های افغانستان بدنهٔ هزاران تانک و وسایل
زرهی متلاشی شده روس انبار گردید ، کاروان جسد های
گندیده روسهای بتجاوز سوی تا شکند و مسکو در حرکت
افتاد و هزاران زخمی ان در شفاخانه های نو ساخته
در کابل و همچنان شفاخانه های تا شکند و مسکو بارنگ-
های پریده و چهره های زرد و خجالت زده روی بستر
افتادند و این وقت بود که روسها به خطای خوذی بردند
و دانستند که اینک زمان زوال ابدی اسپرا طوری نو
ساختهٔ شان بدست افغانان مجاهد فرا رسیده و خیال شان
برای قبضه بر افغانستان و رسیدن به آبهای گرم بحر هند
و قلمرو های نفت خیز عربی خیال باطل است .

از طرف دیگر شهادت روزانه د هها و صد ها مجاهد
و هموطن مؤمن ما بدست نیرو های وحشی روس و همچنان

ویران شدن آبادیها و به رکودگرائیدن چرخ زندگی و اقتصاد در افغانستان در نتیجهٔ شدت وحشت روس صدای اعتراض را در سراسر جهان بلند کرد . ملل متحد به حیث کانون تجمع نمایندگان ذیصلاح تمام ملل جهان و مرجع آمال ملل کوچک و نا توان نیز با اطلاع از جریان وحشت و انسانکشی روسها در افغانستان به ستوه آمد و صدای اعتراض جهان در بیانات سر منشی ملل متحد دو کتور پریزدو کویلار و سائر نمایندگان منعکس شد همان بود که دو سال و شش ماه پس بدنبال پیدا شدن تمایل ... در مسکو سرمنشی ملل متحد اعلام کرد که دیگوکور دو ویز معاون خویش را بحیث نمایندهٔ خود جهت دریافت راه حل سیاسی برای مشکل افغانستان تعین کرده است تا او باجوانب ذیدخل در تماس و مفاهمه شده و در نتیجه برای این معضله راه حل سیاسی پیدا شود . باینصورت پیدا شدن مسأله راه حل سیاسی برای مشکل افغانستان در واقعیت امر نخست مربوط میشود به شکست فاحش سوقیات و عملیات نظامی روسیهٔ سرخ در افغانستان و رسوا شدن آن به سطح جهانی و در قدم دوم مربوط میشود به فشار

ذهنیت جهانی که باید بهر صورتی دست تعدی روس از افغانستان کوتاه شود .

نیرنگ روس : تاریخ سه صد سال اخیر سیاست توسعه جویی روسها ابتداء به نام روسیه زاری و بعد بنام روسیه کمونست ، این حقایق را در برابر جهانیان در روشنی تمام قرار داده است :

اول اینکه روسیه همیشه طبع سرکش و خیالی دستیابی به قلمرو های دیگران و در نهایت ضم آنرا به امپرطوری خود داشته است . دوم اینکه همیشه با ارتباط به کشور - های دیگر خصوصاً آنهای که پلان تسخیر آن در سرش بوده ، از روش تضعیف موقف آن و استخدام چهره های وطنفروش کار گرفته تا بااینصورت قلمرو طرف توجه یا ایجاد تزلزل در بنیاد آن به جانب روسیه سقوط کند ، سوم روسها به هیچ معیار و اصول قبول شدهٔ بین المللی در هیچ عصر وزمانی پابند نبوده اند و همیشه قرار داد ها را به نفع خود تعبیر و از آن در سیاست توسعه جویی خود استفاده برده اند . چهارم اینکه همیشه روسها تلاش کرده اند از برخورد رویا روی با قدرت های عصر پرهیز کنند ،

زیرا این حقیقت برای شان معلوم بوده که هرگونه برخورد وسیع در نهایت به زیان شان است . تاریخ نشان میدهد که روسها همیشه در آغاز متحد و در کنار قدرت روز بوده اند ، اما بعد ازین دوستی نفع برده اند . روسها در دو سال اول جنگ عمومی دوم با آلمان نازی در حال متار که بسر می بردند اماپسانتر که قوای آلمان پراگنده شده بود ، نیروهای آن در برابر نازیها قرار گرفت همین قسم درین جنگ روسیه متحد ایالات متحده امریکا بود.
پنجم اینکه روسها برعکس امپراطوری های دیگر ضم سازی قلمرو های همسایه را اساس سیاست توسعه جویی خود قرار داده اند . همین روش به آنها امکان داده تا امروز امپراطوری روسیه به بزرگترین امپرطوری خشکه تبارز نماید ، در حالیکه امپرا طوری های دیگر همه روبزوال رفتند و امروز نام و نشانی از آنهانیست . امروز قلمرو- های تحت ادارهٔ آن نیمهٔ از قاره های آسیاو اروپا را احتوا می کنند و این قلمرو ها با داشتن تماس دایمی از راه خشکه در حلقوم زار ها و بعد کمونیزم روس فرو روند .

طینت شیطانی دشمن : روسها نه تنها در مورد

افغانستان بلکه با ارتباط به همه کشور های همجوارونه تنها در دوره زار ها بلکه در دورهٔ وحشت کمونزم ، از روش خدعه و فریب و در نهایت تحت تسلط آوردن کشور ها بخصوص قلمرو های همجوار کار گرفته است .
سیاست توسعه جویی روس که در قرن شانزدهم میلادی بشکل سر سام آور آن آغاز یافت ، تازان را در سال ۱۵۵۲ . استرا خان را درسال ۱۵۵۶ و ساسیریا و یا قلمرو وسیع شمال قاره آسیا را که امروز منبع بزرگ نفت بخصوص گاز است به قلمرو روس پیوست ساخت .
متعاقبا نیرو های وحشی آن در سال ۱۶۸۶ در شرق تا دریای آمورسید . در سال ۱۶۶۹ منطقه ازوف را از پیکر خاک ترکیه جدا کرد و بخشی از قلمرو های مربوط دولت سویدن در سال ۱۷۰۹ مربوط روسیه شد و متعاقبا قلمرو های پولیند و فنلند زیر سیطره روس آورده شد و بعد امارات آسیای میانه و بد نبال آن بخش های از قلمرو افغانستان و ایران مورد هجوم سواره نظام روس قرار گرفت . و در همین دورهٔ اندو هبار سیاست زار- های روس شمیر ، خدعه و فریب بود (صفحه

٤٨٤ - افغانستان در مسیر تاریخ- نوشته میر غلام محمد غبار - چاپ دوم ایران - اسد ۱۳۵۹) در همین دوره روسها خود را بحیث نژاد برتر قلمداد می کردند و در هر جا که میرسیدند نشان روس و طرز ادارهٔ خود را روح میدادند ، دین دیگران را خوار می شمردند و اعتقاد خود را عمومیت میدادند .

با ارتباط به افغانستان ، روسها عین سیاست تزویرو فریب را دنبال کردند و بخصوص بعد از آنکه درشمال آمو مستقرشدند و با انگلیس ها درسال ۱۹۰۷ معاهده را با ارتباط به آینده افغانستان وایران عقد کردند، تلاش شان این بود تا با فریب شاهان افغانی و برهم زدن موازنه در منطقه ، ازفشار بر افغانستان کاربگیرند و همیشه امرای وقت را بانشان دادن چهرهٔ ریا بفریبند اما در خفا همان غرض شانرا دنبال کنند - روسها با فریب دادن دوست محمد خان و شیر علی خان شاهان افغانی واین تلاش که گویا روسها دوست افغانستان اند ، وضع را به نفع خود انکشاف داده در ۱٤ فبروری ۱۸۸۴ مرو از ولایات تاریخی افغانستان را به قلمرو تحت ادارهٔ خود پیوستند و عجب اینکه در قبال این تجاوز

سفیر روسیه در لندن به حکومت انگلیس علت این دست درازی
را چنین بیان نمود : «سیا ستمداران روسی و انگلیسی همیشه
تائید کرده اند که برای قدرت های متمدن که همسایگان
نزدیک غیر متمدن دارند ، بسیار مشکل است که در توسیع
قلمرو خود توقف نمایند.» پس ازین دست درازی روسها به
قلمرو افغانستان و عدم مخالفت جدی قدرت های رقیب، روسها
بیشتر تشجیع شدند و بهپیش روی به خاک افغانستان دوام
دادند . همان بود که در سال ۱۸۸۵ مناطق ذوالفقار ،
آق رباط و پنجده را اشغال کردند . در سال ۱۸۹۳ قوای
ایو انوف برای تخویف و عقب زدن تهانه های افغانی برگزمه
افغانستان دربا میر آتش کرد و بدنبال ان واحد های نظامی
روسیه درطول سرحدات همیشه نامه های تهدید آمیز به جانب
افغانی می فرستادند و از آنهامی خواستند که منطقه
شانرا گذاشته عقب روند . ازین تهدید ها صرف یکی را نقل
می کنم : (ص ۱۰۵ همان کتاب)

در آغاز تعین حدود سرحدی یک واحد روسی بسوی
شغنــان اعزام شدو درین وقت قوماندان تیمور شاه و کپتان
میر اسلم رهبری یک قطعه دو صد نفری واحد سرحدی

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی همه جانبهٔ از
حل سیاسی مسأله افغانستان

موضوعی که امروز در رأس جریانات جهان قرار گرفته، بدون شک نزد همه ملل جهان مسأله افغانستان است، آنهم البته نه به این علت که در افغانستان صرف جنگ وجود دارد، بلکه به این علت که جهاد مردم افغانستان نقطه عطفی است در تاریخ معاصر جهان. جهاد امروزی مردم افغانستان صرف دوام یک مقاومت دربرابر یک نیروی مهاجم نیست، بلکه مبارزهٔ دوام دار وقاطع یک ملت مؤمن و آزاده است برای درهم شکستن یک نیروی طاغوتی که تا امروز خود و فلسفهٔ کاذب خود را شکست ناپذیر میخواند وبه جهان چنین وانمود میکرد که گویا کمونزم بشریت را وارد مرحله نوینی ازتاریخ ساخته ودیگر درب ظلم و استبداد، بیعدالتی و استکبار را بر روی بشریت خصوصاً ملل کم توان و ناتوان بسته است. اما جهاد مردم افغانستان در برابر این نیروی طاغوتی در واقع سر آغازی شد

افغانستان را در سرپل داشتند درین موقع سواره نظام روس
به سر پل آمده بر واحد افغانی آتش کرد لیکن واحد افغانی
هدایت آتش متقابل را نداشتند. درین وقت این واحد روسی در
دهکده ایوک واقع کنار دریای پنج اقامت گزیده وافسر آن
با گستاخی تمام نامه باین شرح برای افسر افغانی فرستاد .
«عالیجاه کپتان ایدیخدا ، صحت و سلامتی به امیر عدالرحمن
خان ، بعد سلام به میر اسلم خان و جمع سر کردگان
برسد از طرف طورها . بعد ها معلوم سر کرده کپتان باشد
که از اوشان تاشغنان مملکت ما میباشد چرا که ما بیوردها
داریم که ملک ماست . ما برای شما معلوم می کنیم که
لشکر خود را گرفته بروید در قلعه پنجه ، چرا که ما کاغذ
کردیم که همین به سید شاه خان جرنیل معلوم است و
باید که بزودی برخاسته در قلعهٔ پنجه بروید که فرمایش
ما همین میباشد ، و باید یکی با دیگری خو نریزی نکنیم
که دربین ما و شما خونریزی نشود ، چرا که دربین ما و
شما خونریزی نشد، دوست میشویم، یارد ایمانی میشویم، چونکه
آق پادشاه (پادشاه سفید یعنی زار) دلاسا میکند ، باهم
به شما دلاسا می کنیم . باید که جواب همین کاغذ ما را

همین امروز برسیدن کاغذ ، در اینجا بر سانید ، البته از همین روز نگذارید . صفحات (۵۰۱ - ۵۰۲) افغانستان در مسیر تاریخ)

باید متذکر شد که این تجاوزات علنی و ضم سازی بخشی از قلمرو افغانستان بر امپرا طوری زار های روس علی‌الرغم اطمینان های صورت میگرفت‌که روسها به جانب افغانی میدادند. بطور مثال جنرال کو فمن کو رز جنرال روسیه در ما ورالنهر ضمن نامه که در ۲۸ مارچ ۱۸۷۰ به شیر علی خان نوشت چنین میگوید. «هر چند که همسایهٔ دور هسیتم ، باید رشته مودت و دوستی محکم و قلوب به یکدیگر نزدیک باشد. در امور داخلی افغانستان من به هیچ وجه خیال دخل و تصرف را ندارم . . . . . . بلکه بواسطه آنکه شما دراسورات بخارا دخل و تعرضی نکرده اید . . . . . . خیلی خوشنود خواهم بود که در جواب ، رقعهٔ محبت آمیز شما بزودی برسد و مرا مطمئن نمائید که در امور ، داخله خانات بخارا وخیوه هیچ قسم مداخله نخواهد داشت .»

متعاقب آن وقتی خوقند لگدمال سواره نظام روس

شد ، بازهم کو فمن درنامه ۱۸۷۶ خود به جانب افغانستان چنین نوشت : «میل دولت روس بر این است که با حکام و پادشاهان و فرمان فرمایان مستقل و همسایه در صلح و دوستی باشد و این خیال را ندارد که ممالک آنها را ضبط نماید ، و اینکه خان نشینی های خو قند را دولت روس جز ممالک خود قرارداده است ، محض خیر خواهی و آسوده‌گی اهالی آنجا بوده است ، نه از لحاظ آنکه منفعتی بدولت روس خواهد داشت و یقین است که مردم خوقند جز از اوامر اعلحضرت امپراطور مطیع هیچ حاکمی نحواهند شد. » (ص ٤٩٦ همین کتاب)

این ها فقط چند نمونه معدودی از سیاست شیطانی روسها است که میتوان آنرا مشت نمونه خروار دانست .

دوام شیطانت روسها: بعد از مستقر شدن نظام کمونستی نیز ما هیت سیاست روسها هیچ تغییر نکرد ، بلکه سیاست قبلی توسعه گرائی ، فریب کاری و بدام کشیدن ملت‌ها در چوکات کلمات رنگین دنبال شد ابتدا رهبری جدید کمونزم روس اعلام کرد که همه قرار داد های دورهٔ امپراطوری زار ها را ملغی و ملل تحت سیطرهٔ آن آزاد خواهند شد. اما برعکس

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیسی همه قلمروهای متصرف را در حلقه یک زنجیر آورد که باز هم اراده و ادارهٔ آن بدست روسها بود . ملت ها را نه تنها اسیر و برده کرد بلکه اتحاد را بین آنها عام ساخت و فرهنگ بی مایه روس اساس زندگی همه ملت های اسیر شد ؛ ملت ها و اقوامی که تعداد شان به ۱۰۰ میرسد .

سیاست توسعه جوئی روسیه کمونست که با ۱۲ کشور جهان هم سر حدمی باشد از سال ۱۹۳۱ بسرعت آغازیافت، زیرا در مدت قبل ازآن جنبش ها و قیامهای داخلی را سرکوب کرد ، بعد ازین سال پنج کشورهمسایه را بلعید و سرزمین های هفت کشورهمسایه را غصب کرد و از دو کشور همسایه امید تقاضای اراضی نمود (صفحه۵ استراتیژی بین المللی - نوشته سید جلال الدین فارسی- تهران- ۱۳۶۱) واینست درسال۱۹۰۹ اردوی سرکش آن به خاک افغانستان هجوم آورد .

نیرنگ روس : روسها از موضوع به راه انداختن مذاکراتی برای حل سیاسی مسأله افغانستان اغراض چندین جانبه دارند .


PROPERTY OF ACKU 6664

مسکودر قدم اول میخواهد ازین موضوع وقت کمایی کنند. روسها در زمان مستقر ساختن رژیم کمونستی در قلمرو پهناور تحت سلطه خویش به انواع خدعه دست زدند. آنهـا همه را دعـوت بـه آرامش وسکوت کـردند و گفتند وقتی از بحران موجوده وحالت متزلزل کنونی رهایی یافتند ، همه رابه حق میرسانند ، یعنی آزادی شان داده می شود و از شر استبداد واستعمار خلاص میشود. اما همینکه مستقرشدند، دیدیم که چه نکردند. در جنگ دوم جهانی روسها از عین روش کار گرفتند . ابتداً قرار عدم تعرض را باالمان بستند اما هینکه اوضاع تغیر خورد و در سنگر ها اردوی هتلر روی جسدهای سربازان فراری روس قدم گذاشتند ، روسها در صدد دریافت متحدقوی شدند و از اتحاد با غرب که امروز آنرا امپریالزم یادشمن جهان معرفی می کنند ، حد اعظم استفاده را بردند ، از سلاح و غلهٔ متحدین خود استفاده کرده قلمرو کشور های اروپای شرق راگرفتند، بخش شرق آلمان ر متصرف شدند و از همه مهمتر بدون آگاهی متحدین خودبسوی برلین رو آوردند و چ ین نشان دادند که گویا آلمان را روسها فتح کرده اند ـ

پسانتر در حالیکه روسهابم اتوم نداشتند روش شان ملایم و قوای خود را باتفاهم با غرب از اتریش و ایران عقب کشیدند و اما امروز که سلاح نیر و مند اتومی و قوای یا زده ملیون مسلح در اختیار انهاست گوش خود را در برابر همه اعتراضات جهان کر می اندازند و حاضر نمیشوند از افغانستان خارج شوند. با ارتباط به افغانستان روسها می خواهند با عقب انداختن جریان ، وقت کمایی کنند تا بزعم خود بتواند برنیروی مقـاومت این کشور غالب گردند . اما اینکه دیدند جنبش مقاومت مردم افغانستان با گذشت زمان بیشتر قوام میگیرد ، دست و پا چه شده در جستجوی راه حل سیاسی برآمدند اما بدون شک در واقعیت امر خواهان حل نظامی این موضوع اند- باینصورت که می خواهند ساحه عملیات خود را وسیعتر سازند وبا ینصورت در مرور زمان نیروی مقاومت را تضعیف و در نهایت از بین برند که این خواب و خیالی بیش نیست .

جلو گیری از رسوائی بیشتر هدف دیگر روسهاست . آنها در صحنهٔ بین المللی چنان رسوا شده اند که اصلا سابقه ندارد . جهان می بیند نیروی طاغوتی روس چگونه

ذلیل ارادهٔ یک ملت کوچک می شود و همه سلاح و نیروی آن توسط مجاهدین در هم می شکنند .

موضوع سو می نجات روس از حالت تجرید است . روسها را مسئله هجوم به افغانستان به کلی در صحنهٔ بین‌المللی در انزوا قرارداده است ، در مجامع بین المللی ، در کفرانس ها ، در نشست ها و در حلقه های جهانی ، روسها دیگر هیچ اعتباری ندارند و اکثر کشور ها در مقابل آن از روش مقاطعه پیروی میکنند . امروز روسها در کشور های اسلامی و روبانکشاف و طرفدار آزادی و کرامت انسانی اصلاً روی ندارند و در همه جا تنها میروند و تنها بیرون میشوند و صرف چند چهرهٔ دست نشانده که با بی میلی و از روی اکراه روسها راهمرهی میکنند ، دیگر روسیه کشور صلح و همکاری و اطمینان و دوستی نیست .

موضوع چهار می آغاز طغیان در کشور های اجباراً متحد روس است . پولیند درحال طغیان است که اصلاً گرفتن جلو شعله های مخالفت درین کشور علیه کمونزم و علیه روس دیگر خاموش شده نمیتواند . زیرا درین

کشورها کار گران به پاشده اند ، کار گران که کمونزم آنها را بنیاد نیروی خود قلمداد میکرد . در چکوسلواکیا ، در آلمان دیموکر اتیک در بلغار یا ومجارستان و بالاخره در کیوبا ، نیرو های با ایمان و آزادیدوست به ابراز مخالفت علیه سلطه جوئی روس شروع کرده اند و در تاثر کشور ها دیگر روس چهرهٔ فریب و خدعه ، لشکر کشی و آدمکشی است .

مسأله پنجمی آغاز جنبش هاومخالفت‌ها در قلمروهای تحت تسلط روسیه است . ابتداء در جریان سال دوم هجوم قوای روسیه به افغانستان در بعض شهر ها و مناطق روسیه اوراق چاپ شده در غرفه های تیفرن نصب شدکه نشان میداد باید روسها از خاک افغانستان خارج شوند . دو سال پیش یک سخنگوی زبان انگلیسی رادیو مسکو حین خواندن خبری از نا رضایتی و مقابله افغانها در برابر تجاوز نیرو های روس حرف زدکه شش ما از و نامی نبود و بعد صرف صدا های او که قبلاً ثبت شده است از رادیو شنیده شد. سه ماه پیش در از بکستان و جمهوریه لتوانیه مخالفت های علنی علیه حلقه رهبری بلشو یک ها

آغاز یافت که بعد آ روسها آنرا بنام تصفیه و توجه به کند کاری و مسامحه کارگران و موظفین از صحنه کشیدند. اینک یک هفته پیش یعنی روز های اخیر ماه اسد درحدود (۱۰۰۰) پولیس اوز بک از عهده های شان در ازبکستان برکنار شدند و یک تعداد آ نها بنام کم کاری و سهل انگاری تصفیه گردیدند.

امروز مطبوعات روسیه نمیتواند بیش آزین روی خون های ریختهٔ افغانان توسطه قوای روس روی چشمان ملت های اسیر پرده افگند. آکنون حتی پراودا ارگان حزب کمونست روسیه نمی تواند درزمینه خموشی اختیار کند. همین روزنامه یکماه پیش یک صفحهٔ خود را وقف شرح حال یکی از جانیان روس در جنگ های افغانستان کرد و نشان داد که کار روسها در افغانستان زار است. برای دلجویی خانواده های که اعضای آنها دست آغشته بخون مردم مسلمان افغانستان را دارند و اما درجبهه به جزای اعمال شان رسیده اند، مجسمهٔ نیم تنهٔ یکی از افسران سفاک خود را که در برابر مجاهدین توانسته بود مدتی مقاومت کند در یک ساحهٔ عمومی روسیه سفید نصب

کرده اند . و طولانی شدن طومار کشته شدگان نیرو ـ های تجاوز گر روس در افغانستان روی میز های کریملن ، چشمان سرد مداران کریملین را از حدقه بیرون کشیده است .

ضدیت کشور های اسلامی : کشور های اسلامی بخصوص برادران همسایه ما پاکستان وایران ، همیشه خواسته اند که قوای متجاوز روس باید بدون هرگونه قید و شرطی خاک افغانستان را ترک گویند تا مردم مسلمان افغانستان در فضای آزاد و درپرتو تعالیم والای اسلامی باز زندگی شانرا سروسامان دهند این موقف کشور ـ های برادر اسلامی در تمام کنفرانس های که بسویه ـ های مختلف صورت گرفته ، همچنان در اعلامیه های مشترک سران این کشور ها همیشه از داعیه مردم مسلمان افغانستان دفاع کرده و می کنند . آنها در حالیکه علایق شانرا به رژیم دست نشاندۀ کابل قطع کرده اند و ضدیت خود را در برابر روسهای متجاوز نشان میدهند ، مجاهدین را نیروی رز منده و نماینده مردم مسلمان افغانستان می شمارند. همچنان هرگونه حمایت شانرا از مردم مسلمان

برای یک فصل نوین که به بشریت نوید میدهد دیگر فریب ملحدان روس را نخورند و در دام ریا و تزویر آن نیفتند و برعکس متوجه سلطه جویی و جهانگیری روس شوند . ۱

باینصورت جهاد افغانستان حماسهٔ عصرما است ، حماسه ایکه بخون پاک شهدای ما رقم زده شده و با اشک و آه یتیمان و خانواده های داغدار ما رنگ میگیرد . با چنین موقعیتی که جهاد افغانستان و جریانات افغانستان در جهان و نزد جهانیان دارد ، امروز برخورد ها و رویداد های این کشور طرف توجه خاص همه ملل جهان است ، بلکه دریافت راه حلی برای این معضله عصر نیز در هر جا مورد توجه خاص میباشد .

مردم حق پسند جهان که جریان مقاومت مردم ما را در برابر نیروی متجاوز روس با علاقمندی دنبال کرده اند ، پس از مشاهدهٔ اثرات ثمر بخش جریان مقاومت ، خصوصاً به این موضوع علاقمندی خاص نشان میدهند که بایستی چنگال خرس های وحشی قطب شمال از گلوی مردم مومن افغانستان دور ساخته شوند و بیش ازین نیروهای روس مجال آنرا نداشته باشند تا وحشت و بربریت خود را در خطهٔ اسلامی و باستانی افغانستان دنبال کنند . همین اکنون ضدیت جهانیان به دوام هجوم وقتال روسها در افغانستان به یک فشار عظیم مبدل

افغانستان ابراز داشته از کمک مالی به مهاجرین افغانستان دریغ نمی کنند ، مهتمر از همه کشور برادر ما پاکستان سه ملیون افغان مهاجر را در خاک خودجا داده و همچنان در حدود یک ملیون و پنجصد هزار مهاجر افغانی در مناطق مختلف ایران مقیم می باشند واینکشب روز ۳سنبله ایران رسماً به افتتاح دفتر مهاجرین ملل متحد در آن کشور موافقه کرد که این اقدام می تواند سهولت زیادی برای مهاجرین ما درآن کشور فراهم کند. پاکستان تمام سهولت توزیع مواد امدادی جهان را برای مهاجرین فراهم میسازد و در رفع مشکل این آواره‌گان را بحیث برادر مومن یاری میرساند .

با کمال امتنان از موقف کشور های اسلامی ، لازم به یاد آوری است که در کنفرانس های این کشور ها ، هیأت مجاهدین بحیث نمایندگان واقعی مردم افغانستان در کنار سائر برادران کشور های اسلامی می نشینند . چنانچه در کنفرانس های اسلام آباد ، کاسابلانکا و یکتعداد کنفرانس های قبلی این موضوع را بخوبی مشاهده کردیم .

موقف ملل متحد : سازمان جهانی ملل متحد بحیث مرجع مسئوول امن و آزادی ملل ، خود را مجبور یافت برای بیرون کشیدن افغانستان از معضلهٔ موجوده پا به پیش گذارد و سوال (حل سیاسی) را درمیان کشد تا حال دیگوکوردو ویز چند بار به اسلام آباد ، تهران و کابل سفر کرده و اینک دور سوم تماس های غیر مستقیم بین اسلام آباد و کابل را بسویه وزیر خارجه درژینو بر قرار میسازد .

در تماسهای اول و دوم که اول دو سال پیش و دوم در زمستان گذشته در ژینودایر شد نکات اساسی مورد بحث این بود که راهی برای خروج قوای روس از افغانستان پیدا شود ، مهاجرین آبرومندانه به وطن شان بر گردند ، آینده افغانستان تضمین شود و مردم افغانستان موقع بیابند سرنوشت خود را تعین و موقعیت اسلامی و عدم انسلاک افغانستان دوباره استحکام یابد . در مرحلهٔ دوم مذاکرات حتی نمایندهٔ ملل متحد گفت که ۹۰ فیصد مذاکرات به نتیجه رسیده است ، اما به یکبارگی همه چیز تغیر کرد و اعلام شد که روسها نمی

خواهند از اغراض پلید توسعه جوئی خود دست بکشند .
به دنبال آن در تابستان امسال پریز دوکویلار، رمنشی ملل متحد به دعوت سران روسیه بـه مسکورفت تا اگر بتواند حسن نیت آنها را جلب کند . اما آنها گفتند در حالیکه هیچگونه مداخله را در امور داخلی افغانستان اجازه نمیدهند، حاضر اند با نمایندهٔ ملل‌متحد کمک کنند . که این گفته‌ها تناقض سیاست را در حرف و عمل روسها نشان میدهد . روسها هیچ حق ندارند این حرف را بزنند که اجازهٔ مداخله در امور داخلی افغانستان را به هیچ جانبی نمیدهند .

دشمن اصلی : در خلالی این تماسها و تلاشها جانب اصلی یا دشمن واقعی میخواهند خود را از صحنه بیرون نگهدارد و چنان نشان دهد که گویا او خود درین خونریزیها و وحشت ها دست ندارد . در حالیکه واقعیت‌ها روشن است . اول اینکـه این روسهـا انـد کـه بـه افغانستان لشکر کشیده اند ، این روسها اند که مشغول کشتار مردم افغانستان و ویرانی آباد بهی آنها اند ، این روسها اند که اکنون حاضر نیستند به حق تن در دهند

و این روسها اند که باید در مذاکرات شامل باشند و محکوم همه گردند . اما روس ها با پر رویی تمام تجاوز بر افغانستان را حین ارائه حل سیاسی موضوع اطراف افغانستان عنوان میکند . قصد شان از چنین ارائه این است که گویا در افغانستان از جانب روسیه هیچ مداخلهٔ نشده ، بلکه بزعم روسیه از جانب کشور های امپریالستی و هم کشور های همسایهٔ آن پاکستان و ایران مداخله می‌شود اما روسها تا امروز یک سرباز دیگر غیر از لشکر روس یایک میل سلاح دیگر غیر از سلاح روس در افغانستان نه دیده است . روسها بسیار سوقیات کردند ، بسیار عملیات نظامی کردند ، بسیار کشتند و بسیار ویران کردند اما در هر جا فقط و فقط مرمی مجاهد بود که بر سینهٔ آن میخورد وراکت مجاهد بودکه تانکهای آنرا متلاشی می ساخت و سلاح مجاهد بود که طیاره و هیلکو پتر آنرا یارای پرواز در ساحهٔ مجاهد نمیداد . روسها با چنین ادعامی خواهند بگویند که اصلاً تجاوز قوای روس باعث این همه خونریزی نشده ، بلکه گویا مداخلهٔ امپریالیزم و همسایگان مسلمان چنین وضعی را پدید آورده است .

روسها به پیشر می تمام چنین ادعامی کنند که گویا مردم افغانستان قوای روس را به کمک خواسته اند، در حالیکه همه مردم جهان دیدند و شنیدند که صرف آنگاه از روسها توسط خودش و سخنگوی خودش طلب کمک (سیاسی ، اقتصادی و هم نظامی) شد که قوای روس به افغانستان (شب ٦ جدی ١٣٥٨) حمله ورشده و رادیوی تا شکند خبر مربوط به طلب کمک را بنام را دیو افغانستان، بطری سوچ را دیو افغانستان از ورای موج را دیو تاشکند نشر کرد و چهرهٔ شناخته شده یی کمونزم را به کرسی قدرت نشانید و بدون درنگ بجان مردم افغانستان افتاد .

روسها خود به افغانستان حمله ورشدند ، چهرهٔ دست پروردهٔ خود را به کرسی قدرت نشانیدند، اکنون که هیچ نیرنگ و هیچگونه زور ازمائی شان در افغانستان مؤثر نیفتاد ، از اوضاع اطراف افغانستان حرف میزنند و باز هم میخواهند چهرهٔ کذاب و شیطانی خود را از برابر جهانیان دور کنند و آنهای را ملامت قرار دهند که دوست واقعی و برادران راستین مردم مسلمان افغانستان اند . در حالیکه دیگر وقت این همه یاوه سرائی ها گذشته

و مردم جهان دوست و دشمن مردم افغانستان را شناخته اند و می بینند که این روسها است که با بیرحمی تمام به جان مردم افغانستان افتاده اند. لذا متجاوز اصلی روس است و محکوم اصلی روس است و دیگر هیچ جانبی درخون‌ریزی افغانستان دست ندارد .

روسها که خود مسئول قضیه اند ، اکنون میگویند امپریالیزم و کشور های همسایه جنگ را به راه انداخته اند ، باید جلو مداخلات به افغانستان گرفته شود، مجاهدین سلاح خود را بگذرند ، رژیم دست نشانده برسمیت شناخته شود و قدرت های بزرگ تضمین بدهند که‌دیگر درامور افغانستان مداخلهٔ نمیکنند و بعد از این هر وقت که حکومت دست نشانده خواست تقسیم اوقات خروج قوای متجاوز روس از افغانستان ترتیب می شود .

گذشت های اولی : ملل متحد برای آنکه مذاکرات را در مورد به راه انداخته باشد ، بعد از تماسهای زیاد بالاخره مجبوراً به این نتیجه رسید که در حال حاضر مذاکرات غیر مستقیم رابین اسلام آباد ، تهرن و کابل شروع کند . چون رژیم دست نشانده را کشور های

اسلامی و حامیان مردم افغانستان به رسمیت نمی شناسند
لذا بهیچ صورت امکان مذاکرات مستقیم موجود نیست ،
لذا کور دو ویز تا حال نه تنها ما موریت های را برای
تفاهم به این شهرها انجام داده، بلکه برای دوام مذاکرات
غیر مستقیم بین این سه جانب تلاش فراوان کرده است .
مذاکرات دور اول و دوم در ژینو صورت گرفت ، اما
از آنها هیچ نتیجهٔ بدست نیامد . درین دو دور مذاکرات
غیر مستقیم وزیر خارجه ایران اشتراک نه ورزید . اینک
آکنون دور سوم مذاکرات در ژینو آغاز شده است تا
دیده شود که چه در قبال دارد .

تلاشهای جانبی : روسها از همان آغاز رویکار آوردن
رژیم مزدور در افغانستان و بعد از تجاوز مستقیم به این
کشور، همیشه به غلط ادعا می کنند که در جنگ افغانستان
گویا دست قدرت های رقیب آن خصوصاً غرب دخیل
است ، بعد از آنکه مسأله حل سیاسی بمیان آمد ، باز هم
روسها گفتند و میگویند که به گفتهٔ آنها باید کشور های
غربی در رأس آن ایالت متحده امریکا تضمین بدهد که
آینده در امور افغانستان مداخله نمیکنند . با دوام این

هزیان گویی روسها ، بالاخره جامعهٔ اقتصادی اروپا دو سال پیش در صدد طرح یک مسوده شدند تا به اساس آن مشکل افغانستان راه حل یابد و درین راه حل روسیه وغرب هر دو دخیل باشندکه این خودگویا تضمینی می باشد از هر دو جانب در مورد آینده افغانستان . لارد کرنگتون وزیر خارجهٔ آن وقت انگلیس این ابتکار را بعهده گرفت و پس از چند نشست و زرای خارجه ده کشور جامعهٔ اقتصادی اروپا ، بالاخره مسودهٔ این طرح ترتیب و توسط لارد ـ کارنگتون به مسکو برده شد . اما سران مسکو این مسؤده را غیر واقعبینانه خواندند و باین صورت این تلاش جانبی کشورهای جامعهٔ اقتصادی اروپا نیز در اثر موقف گیری خصمانهٔ روسیه نقش بر آب شد . درین مسوده اگرچه تا اخیر محتویات ان افشا نگردید ، لیکن دو نکته بهر ـ صورت صراحت داشت موضوع اولی ترتیب تقسیم اوقات برای خروج تدریجی قوای روسیه از افغانستان بود و موضوع دومی ارائه غرب در مورد آینده افغانستان و جریان باز گشت محترمانهٔ مهاجرین به مهین شان بود . در عین حال حرمت به خواست مردم افغانستان درین

مسوده گنجانیده شده بود، چیزی که روسها در زمینه خصوصاً حساسیت دارند .

همچنان همزمان با ادعا های مسکو در مورد مداخلهٔ امریکا در جریانات افغانستان و اینکه باید درین مورد تضمین داده شود ، باری یک سال پیش سفیر امریکا در اسلام آباد اعلام داشت که ایالات متحده حاضر است در مورد افغانستان تضمین های شبه تضمین در مورد اتریش و فنلند بدهد لیکن ازین حرف ها مدتها گذشته ولی نتیجهٔ اساسی نداده است .

موقف روسها : پیشآمد روسها ورژیم دست نشاندهٔ آن در کابل دربارهٔ مذاکرات موجوده روشن است . روسها طیارات خود را به علامهٔ و نشان قوای هوائی رژیم مزدور به سرحدات پاکستان فرستاده و در خلال ده روزگذشته در نتیجهٔ این حملات در حدود پنجاه نفر شهید شده اند . اما تعجب درین است که هم کاردار رژیم دست نشانده کابل در اسلام آباد ازین حملات انکار کرد و هم وزیر خارجه رژیم مزدور حین موا صلت به ژینو روز دو سنبله این حملات را رد نمود . لیکن واقعیت رد نمیشود ،

با انکار لفظی نفی کرد . روسها به تحریکات در مناطق سرحدی ادامه میدهند تا مگر حکومت پاکستان را مجبور و وادار سازند که در موقف موجوده خود بزعم آنها نرمش بیاورد و باینصورت جریان به نفع روسها انکشاف کند . اما جنرال ضیاء الحق رئس جمهور پاکستان و صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجهٔ این کشور در اسلام آباد وژینو گفتند که موقف پاکستان تغییر ناپذیر است و پاکستان به کمک های انسانی و اخلاق خود به مهاجرین ادامه میدهد و خواهان آن است که مردم افغانستان طوری که بار ها اعلام داشته اند به حق خود بر سند ؛ قوای روس از افغانستان خارج شود . موقعیت اسلامی و غیر منسلک افغانستان اعاده شود ، مهاجرین آبرومندانه به وطن شان بر گردند و مردم افغانستان خود سرنوشت خود را تعین نمایند . وزیر خارجه پاکستان ضمنا حین مواصلت به ژینو گفت که موضوع اصلی دور سوم مذاکرات غیر مستقیم تعین تاریخ برای خروج قوای روسی از افغانستان می باشد و این موضوعی است که به اساس بیان منابع معتبر مطبوعاتی جهان مذاکرات دور

شده و روسهای وحشی را سخت در مضیقه افگنده است . این وحشت نیرو های روس درشش سال اخیر باشویکها را در تجرید کامل قرار داده است . جریان مقاومت مسلحانهٔ مردم افغانستان اکنون نه تنها ضربات پیهم را متوجه روسها ساخته ، بلکه پردهٔ فریب و خدعه را از چهرهٔ آنها بدور انداخته و این حقیقت را به همه روشن ساخته است که روسها دشمن آزادی و حاکمیت ملی کشور ها و کمونیزم خصم دین و اعتقاد اصلی و دشمن مقام و کرامت انسانی است . باینصورت بشریت باتقدیر و تکریم از جریان مقاومت مردم افغانستان اکنون به دفاع اخلاقی از حقوق آنها برخاسته است . در عین حال روسها در خلال سه سال اول مقاومت افغانهای مؤمن دیدند که راه غلط را با ارتباط به افغانستان در پیش گرفته اند . آنها دیدند که در نتیجهٔ هجوم قوای شان به این کشور نه تنها آوازهٔ شکست ناپذیری روسیه در جهان از سر زبانها افتاد ، بلکه جهانیان متوجه این حقیقت گردیدند که بنیاد کمونیزم اکنون درین آزمون متزلزل گردیده و زمینه گرایش ملت ها دیگر به الحاد روس از بین رفته است . ضمناً ریشه های کمونیزم از بنیاد بر کنده شده، بنیادی که باخون و استخوان ملت های مستضعف شکل بندی شده بود . همین است که در نتیجه قوام گرفتن روز

دوم را به بن بست مواجه ساخت .

ایران که تا امروز با حمایت قاطع از مردم و مجاهدین افغانستان در دور اول و دوم مذاکرات ژینو اشتراک نکرد ، روز جمعه دو سنبله این مذاکرات را فاقد مشروعیت خواند و گفت که ابر قدرت ها در صدد آنند که با معاملات مشکوک سیاسی سرنوشت آینده افغانستان را تعین کنند .

دیکو کور دو ویز موقع فراهم ساختن مقدمات دور سوم مذاکرات غیر مستقیم طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ژینو گفت که او در قبال این مذاکرات در انتظار نتایج مثبت است . اگرچه او به جزئیات این مذاکرات اشاره نکرد . اما از کلمات او چنین فهمیده می شد که در دستور مذاکرات حل آینده معضله افغانستان تماس با پناهندگان شامل می باشد . کور دو ویز در عین حال گفت که اگر بمباریهای اخیر در مرز پاکستان صورت گرفته باشد مایهٔ تأسف است . وی افزود که در حسن نظر جوانب مذاکره شکی نمی بیند . او نحوه مذاکرات رابسیار پیچیده و دشوار خواند اما گفت که عده یی از

دوام حالت موجوده متحمل مشقت و محنت بیشتر میگردند و به یقین این تذکراو اشاره به رنج جانکاهی است که مردم افغانستان از دوام کشتار وحشیانه روس در میهن شان متحمل می شوند .

قرار بر این شده است که مذاکرات غیر مستقیم ژینو از روز دوشنبه ٥ سنبله تا روز جمعه ٩ سنبله دوام میکند و متعاقباً کوردو ویز و وزیر خارجه پاکستان ، دولت ایران را از جریان مذاکرات مطلع می سازند .

حل سیاسی از دیدگاه مجاهدین : مردم افغانستان بخصوص مجاهدین ، روسها را از همه بهتر می شناسند . آنها دیدند که چگونه و با چه زمینه سازیهای روسها به کشور شان هجوم آوردند ، آنها دیدند که روسها با چه بیرحمی به جان مردم بیدفاع افغانستان می افتند . آنها دیدند که روسها با چه وحشت و بربریت خانه و کاشانهٔ شانرا ویران و دار ومدار شانرا تاراج و نا بود می‌کنند و بالاخره می بینند که روسها چهرهٔ اصلی جهنمی خود را از صحنه کشتار و وحشت بیرون می کنند آستین از دست های خون آلود خود بالا زده میگویند ،

موضوع اطراف افغانستان ، مذاکره باید بین رژیم دست نشانده و همسایگان مسلمان افغانستان صورت گیرد و در جلو گیری از مداخله باید امریکا و این و آن تضمین بدهند . لذا با توجه به فطرت شیطانی روسها ، مجاهدین به این نظر اند که اصلاً مذاکره با جانبی روانیست که دست های آن تا آرنج بخون مردم بید فاع افغانستان آغشته میباشد ، با قدرتی که اصلاً یکبارهم برسبیل تصادف در تاریخ راست نگفته وراست نرفته ، نیروی که شیطان صفت در قلع و قمع کشور ها است ، قوه ایکه ملت ها را می فریبد و می بلعد و آنکه داس و چکش را بحیث سمبول کار برای روفتن و در هم شکستن ملت ها بدست گرفته است. مجاهدین میدانندکه روسها می خواهند بنام آغاز مذاکره و دریافت راه حل سیاسی سنگر جهاد را سرد سازند و برعکس خود با نیروی بیشتر وطرحهای شیطانی به جبهه ها و سنگر های مجاهدین سرا زیر شوند . جریان سه ماه اخیر حملات سر تاسری روسها در افغانستان دیگر این حقیقت را کاملاً آفتابی ساخت . امروز روسها حتی تا حاشیه سرحدات پاکستان رسیده اند و در تلاش

آنند تا بهر سنگر ، بهر جبهه و به هر قریه و قصبه لشکرکشی کنند و هیچ جای از تجاوز و وحشت شان در امان نماند .

باز هم اگر خواست و تمایلات جهانی احترام شود و مصلحت ملت ها ، صلح گیتی و آرامش بشریت در نظر باشد ، آنگاه مذاکره درباره چه و مذاکره با که مطرح است . هرگونه مذاکره اگر درین مورد صورت میگیرد ، فقط همه بیک نکته خلاصه می شود و آن اخراج بدون قید و شرط و بدون درنگ روسها از افغانستان میباشد و جوانب مذاکره هم نزد مجاهدین مشخص است ، صرف مذاکره بین جوانب درگیر معضله که یک طرف روسهای متجاوز و جانب دیگر مجاهدین قهرمان بحیث مدافعان اسلام و آزادی میهن شان می باشند . لذا راه طولانی را در پیش گرفتن و جوانب دیگر را دخیل ساختن جز ضیاع وقت نمیتواند چیز دیگر باشد . مجاهدین اولاً با فهم جریان و قائع، سنگر جهاد شانرا موقع سر زبان افتادن حل سیاسی داغتر میسازند ، ثانیاً خوب متوجه اند که براه انداختن مذاکرات آنهم باین شکل آن صرف باید برای

رسوا سازی چهرهٔ خونخوار روس متجاوز بکار رود که خوشبختانه چنین هم می شود . همینکه سوال حل سیاسی و برقراری تماس بین جوانب علاقمند بمیان میاید ، در سراسر جهان جزء اساسی و عمده جریان هجوم روس بر افغانستان ، کشتار بیر حمانهٔ آنان درین قلمرو اسلامی و مقاومت قهرمانانه مجاهدین در برابر طاغوت عصر است .

با در نظر داشت این حقایق هیچگونه مذاکره و مفاهمه با ارتباط به حل قضیهٔ افغانستان مثمر نخواهد بود مگر اینکه براین اصل‌ها مبتنی باشد :

۱- جوانب اصلی موضوع برای پایان دادن به این شکل گردمیز مذاکره بنشینند ، جانب اولی این مذاکره مجاهدین یا نمایدگان واقعی مردم افغانستان باشد و جانب دومی روسهای متجاوز که کشور ما رابخون نشانده اند .

۲- موضوع اصلی مورد بحث تشخص منبع معضله باشد که آن تجاوز روس است بر افغانستان . در این مذاکره روسیهٔ متجاوز محکوم شود و به حقوق مردم افغانستان احترام بعمل آید .

۳- اساس مذاکرات عبارت باشد از خروج بدون قید و شرط قوای اشغالگر روس از افغانستان آنهم بدون تأخیر . در این مذاکرات تدابیری اتخاذ گردد تا باز امپریالیزم سرخ نتواند ایجاد آشوب و خانه جنگی در افغانستان بنماید . بلکه درین مرحله بحرانی باید از مساعدت اخلاقی و انسانی همه آنهای برخوردار باشیم که در روز مصیبت در کنار ما استادند ، مجاهد ما را دلجویی کردند ، بر رخسار پرخون مردم ما دست عطوفت مالیدند ، برزخمهای ما مرهم گذاشتند و اشک یتیم ما را از چهره شان پاک کردند .

٤- سوال موجودیت رژیم مزدور اصلاً در چنین مذاکرات مطرح نباشد . روسها خود می بینند که امروز در افغانستان دوقوه وجود دارد ، قوای مهاجم وقوه مدافع قوای مهاجم نیروهای تجاوزگر روس است که در هرجا افتاده و با وجود کثیف خود خاک وطن ما را آلوده ساخته اند . و نیروی مدافع مجاهدین سربکف ما است که جان های شیرین شانرا در راه اسلام و

آزادی میدهند و قدمی هم از سنگر و صف خود عقب نمیروند . امروز مجاهدین ما قریب ۹۰ فیصد خاک کشور را تحت اداره دارند و روسها از هیبت شان در هر جا به لرزه میباشند و خواب و قرار شانرا از دست داده اند .

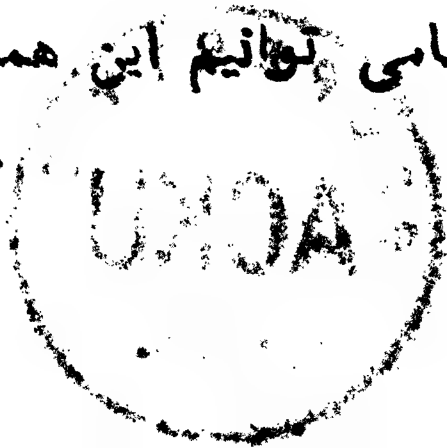
۵- آرمان خون شهید ما باید درین مذاکرات جداً وحتماً در نظر باشد ، اوبرای اسلام ، برای آزادی وطن خود و برای سر بلندی مردم خود شهید شده و خون پاک او روی خاک وطن اسلامی اش ریخته ، لذا در این مذاکرات این موضوع جداً مورد احترام باشد که خون شهید فرمانروای آینده کشور ماست . باید احکام الهی در سرزمین او فرمان براند ، آزادی خاک او محترم و ارزشهای والای زندگی آبا و اجداد پر افتخار او رعایت شود .

۶- تضمین آینده افغانستان و آزادی شان توأم با احترام به اعتقاد اسلامی شان جداً در نظر باشد . ما امروز صرف درحال با روسها بمذاکره نشته خواهیم توانست و روی تقسیم اوقات خروج

قوای آن بحث می کنیم که باز درآینده خیال تعرض را در خاک ما نداشته باشند. روسهای پلید یا تجاوز گران تاریخ بمانه تنها قول بلکه تضمین بدهند که دیگر خیالی از تجاوز به خاک ما را برسر ندارند.

۷- بازگشت محترمانه تمام مهاجرین، تمام آواره گان وآنهای که در دور و نزدیک خاک شان به یاد وطن شان می سوزندجدآ درین مذاکرات درنظر باشد، اما به هیچ صورت مذاکرات صرف در باره بازگشت مهاجرین صورت گرفته نمیتواند، برای آنکه مهاجر یک بخشی است که از مسأله تعرض به خاک شان پدید آمده است.

۸- هیچگونه حل سیاسی معضله افغانستان کامل بوده نمیتواند اگر درآن جبیرهٔ خون شهید و این همه ویرانیها و تباهی های در نظر نباشد که توسط نیروهای وحشی روس در خاک ما صورت گرفته است، مگر ما می توانیم از خون یک ملیون شهید خود بگذریم مگرما می توانیم این همه ناله و سون زن و کودک معصوم وطن را فراموش کنیم. مگر ما می توانیم این همه اشک های ریخته یتیمان و



داغداران خود را نادیده بگریم ، مگر مامی توانیم سوزش سینهٔ خود را از مشاهده صحنه های رقتبار ویرانی وطن از نظر بیندازیم. نه و هرگز نه . این ها هر کدام باید جبیره شود . اگرچه نمیشود یک قطره خون پاک شهید خود را باهمه داشته های روس معاوضه‌کرد ، اما که میشود دریک نشست جهانی و در یک محکمهٔ عدل و داد آنرا جبیره نمود . آیا این یتیم ها و این خانواده های بی سرپرست از ما و جهان عدل و انصاف نمی خواهند . امروز اکثرشهر های ما از نیروی جوان خالی شده و اکثریت این جوانان در بهترین روز های زندگی چون‌نونهالان پرشگوفه در سینهٔ ما در وطن خفته اند . ماچگونه با دلهای شکسته و چهره های افسرده می توانیم درخلال مدت زمان معین این همه ویرانی های را آباد کنیم که بدست وحشیان روس صورت گرفته است امروز از همه شهرهای‌ما ازهمه قصبات و روستا های ما، از همه‌باغها و راغهای ما، ویرانهٔ بیش‌نمانده است . ایا می شود به حل موضوع سیاسی افغانستان



بدون دریافت پاسخ معقول وجبیره کردن آن توفیق یافت . نه و باز هم هرگز نه . هنوز قطرات خون شهید ما ، هنوز اشک های ریختهٔ یتیم ما روی خاک وطن خشک نشده. این ها همه عدل میخواهند و در هرگوشهٔ حل سیاسی حکم این عدل باید جاری باشد .

اگر مذاکرات موجوده ژینو برای دلجوئی مردم افغانستان دوام میبابد ، کار بیهوده است و اما اگر جهان میخواهد با گوش شنوا ، و با قلب حساس ندای ما را بشنود ، خواست ما از همه این است که با روس ها سازش دشوار است ، باید راهی را جست که تجاوز بر جایش بنشیند. مردم مسلمان افغانستان در بین همه مشکلات پیکار بر حق را در برابر تجاوز دوام میدهد مجاهدین ما برای اسلام و آزادی جهان خون میدهند لیکن موقف شان آنطور که لازم است به پیشآمد واقعبینانهٔ جهانیان مواجه نمی شود . درین صورت خواهیم دید که ملت مؤمن افغان باز مجبور خواهد بود پیکارش را ادامه دهد ومی دهد و با نیروی طاغوتی دست و پنجه نرم کند .

افزون جهاد ما ، فزونی فشار ذهنیت جهانیان و به لرزه در آمدن بنیاد کمونیزم ، تمایلاتی نزد سرد مداران کرملین پدید آمد که اگر نشد گروه مزدور را در کابل به زور سرنیزه بر ارادهٔ ملت مومن افغان تحمیل کرد ، باید راه مذاکره گشوده شود و باین شکل رژیم دست نشاندهٔ آن از راه براه انداختن مذاکره و اینکه گویا راه حل سیاسی برای مشکل افغانستان تدارک گردد ، بقدرت باقی بماند.

آغاز ضدیت : ضدیت با مداخله و بعد ازان در برابر تجاوز مستقیم روسیه کمونست به افغانستان ، درست وقتی از طرف کشور های اسلامی و علاقمندان آزادی افغانستان آغازیافت که داؤد جلاد در نتیجهٔ کود تای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ جمهوری بنام خود را اعلام کرد . همینکه مشی رژیم جدید اعلام شد و بنیاد اداری کشور در بعض بخشها مشابه به روش کشور های کمونستی پیرو روس پایه گذاری گردید، شک و تردید در حلقه های مومن کشور و همچنان کشور های اسلامی پدیدار گشت . داؤد در سه سال اول کارش هر قدر سعی کرد نتوانست اعتماد کشور های اسلامی و همچنان مردم مسلمان و طرفداران آزادی

B
4-3831
SID
6664

تعداد چاپ (۲۰۰۰)

سنبله ۱۳۶۲ هـ ش

اما آنطور که لازم است از آن دلجوئی نخواهد شد و مجبور خواهند بود رسالت عظیم و اژگون سازی جاده های کمونیزم روس و بنیاد شیطانی جهان را به تنهایی ادامه دهند که به توفیق خداوندی بدون ترد د این راه را دنبال خواهند کرد .

روز جمعه ۲ سنبله ۱۳۶۳

فقیر آباد - پشاور

افغانستان را جلب کند. تا اینکه تشکیل (کمیته مرکزی) را لغو کرد او به یک سفر طولانی به کشور های اسلامی آغاز نمود و زمینه را برای جلب کمک های اقتصادی ازین کشور ها فراهم ساخت. همچنان او برای شان دادن تعادل نهایت کشور بین ابر قدرت ها و رفع سوء تفاهم ، داکتر هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحدهٔ امریکا را به کابل دعوت نمود. اما با آن که سعی کرد، ارتباط به کشور های اسلامی و همجوار ، حسن نیت آنها را جلب نماید و به روسها بفهماند که او از یک مشی مستقل پیروی می‌کند، لیکن تا آخر در برابر نهضت اسلامی وچهره های تحریکی به خشونت خود دوام داد و نتوانست اعتماد نهضت اسلامی میهن را جلب نماید. درین دوره که اکثریت فکر میکردند داؤد تحت شعاع سیاست روس قرار دارد ، نه تنها در حلقه های داخلی ، بلکه در صحنه بین المللی سیاست داود هواخواهان صمیمی نداشت و همه به این فکر بودند که داؤد زمینه را برای دست درازی روسها مساعد ساخته است. در همین آوان میتوان آثار نفرت و ضدیت مردم را در داخل و حلقه های اسلامی را

در سطح بین المللی علیه گرایش سیاسی داؤد به روسها دید .

و اما در موقعی که روسها در نتیجهٔ کود تای ننگین و خونین ۷ ثور ۱۳۵۷، جناح خلق و پرچم را جانشین جمهوری بنام داود ساختند، این ضدیت بطور علنی، شدید و همه جانبه مشاهده شد . روسها در نصب کردن جناحهای پر وردهٔ خود مستقیماً دست داشتند ، طیارات را برای سرکوبی و بمباری مراکز مقاومت ، پیلوتهای روسی پرواز میدادند و روسها اولتر از همه رژیم مزدور خود را برسمیت شناختند. همچنان درکشتار مردم آنها را مستقیمایاری کردند در همین موقع تعداد مشاورین نظامی روس را سخن گویان مسکو در کابل (۱٦۰۰) نفر و انمود میکردند: اما واقعیت این بود که آنها خود بهراسم و رسمی باین کشور میامدند تا چرخ اداره را بدست گیرند . رژیم مزدور روسیه را درین موقع اتکای خود میگفتند و چنین وانمود میکردند که گویا افغانستان برای همیشه در نتیجه این کودتا در کنار روسیه کمونست ایستاده و از کنار کشور های اسلامی و حامیان آزادی بکلی و برای همیشه دور شده است. بلشویکها در قتال عمومی و شکنجه چهره های

مومن و آزاد یخواه افغانی، کارکنان خلق و پرچم را یاری میکردند و طرح‌های مربوط به پیاده‌کردن روشهای کمونستی را مشاورین روس بمیدان‌میکشیدند و آنرا بشکل فرمان انتشار میدادند و شش ماه از پیاده کردن پلانهای مسکو در افغانستان نگذشته بود که رو سهاسیل اول هلیکوپتر های توپدار خود را برای سرکوبی مردم به افغانستان فرستادند .

ضدیت مردم درین دوره از مخالفت های علنی به برداشتن سلاح پیش رفت . اولین هیأت های اعزامی اصلاحات ارضی بحیث پیش قراو لان طرح کمونیزم در روستا - ها و قصبات کشور درمیان خشم مردم بکام مرگ فرو رفتند. یورش و احد های کم سلاح و بی سلاح مجاهد. بر واحد های نظامی وپوسته های امنیتی آغاز یافت سوقیات عسکری به مناطق طغیانی شروع شد .

سربازان و افسران مؤمن و هوا خواه آزادی وطن صفوف خدمت به نفع کودتایی ها را ترک گفتند ، سلسله عدم پیوستن در صفوف نظامی پس از جلب و احضار مکرر عسکری از طرف مردم آغاز یافت ، قانون های اداری و مراکز آموزشی که دران تعلیم کمونیزم داده می شد

همه با و اژگونی مواجه گردید . در یک سخن صف مردم نیرو گرفت و صف رژیم چپگرا شروع به متلاشی شدن کرد .

در ساحهٔ بین لمللی نیز وضع بیکبارگی تغییر نمود . کشور های اسلامی و ملل مسلمان همسایه سفرای شانرا از کار فرا خواندند ، علایق با کشور های غربی بسردی گرائید و نوبت رسید به پذیرفتن سفرای کشور های سوسیالستی اقمار روسیه کمونست . در همین دوره ذابز سفیر کبیر امریکا در کابل اختطاف شد و به امرکا ، جی، بی توسط عمال روس وکاسه لیسانش بقتل رسید و این پیش آمدهیأت های کشور د پلو ماتیک غرب را به کلی آشفته ساخت و سفرای شان رهی اوطان خویش گردیدند. علایق تجارتی و مالی در مجموع با کشور های اسلامی ، غربی و هوا خواه آزادی بکلی به کرختی گرائید .

همینکه در قوس ۱۳۵۸ برای بار اول معاهدهٔ ننگین دوستی و همکاری با روسها در مسکو عقد شد، مواد این قرار داد بظاهر دوستی اما در اصل سر آغاز مداخله نظامی روسیه به افغانستان مورد نکوهش مطبوعات و حلقه

های سیاسی کشور های اسلامی و حامیان صلح و آزادی قرار گرفت و همه آنرا زنگ خطری دانستند برای آیندهٔ افغانستان. این حلسی درست بود. روسها در سر آغاز زمستان سال بعد آن باساس همین میثاق ننگین به افغانستان هجوم آوردند و رژیم دست نشانده را به سرد مداری کارمل در کابل بقدرت رسانیدند .

این حرکت خصمانه روس بدنبال پلان پیشروی سه قرن پیش آن اکثریت کامل مردم مسلمان ما را در صف جهاد کشانید . همه دستان خالی و یا با سلاح دست داشته اما ابتدایی بر واحد های رژیم مز دور و ستون های روس حمله بردند، سلاح به غنیمت گرفتند و خود را مسلح ساختند و برای یک پیکار تمام عیار ، همه جانبه و دو امدار آماده شدند . کران تا کران افغانستان را دامن جهاد فرا گرفت . در حدود اضافه از صد هزار عسکر روس در شهر ها شهرآها و مناطق سوق الجیشی متمرکز شدند و باسوقیات و تمرکز آنها جنبش مقاومت اوج گرفت. و اما در ساحه بین المللی کشور های اسلامی ، غربی و تعداد کثیر کشور های مربوط جنبش غیر منسلک علایق

حل سیاسی مسألۀ افغانستان

دکتور محمد طاهر صدیق



حل سیاسی مسأله افغانستان



دکتور محمد ظاهر صدیق

احمد شاه ((وحدت))
Ahmad Shah (Wahdat)
A. K. P. O.